

درجه

«هفت گنبد» در شهر کتاب الف

● جلسه گفت‌وگو درباره مجموعه‌داستان «هفت‌گنبد»، به قلم محمد طلوعی، با حضور نویسنده و محمد میرزاخانی (منتقد) دوشنبه هفتم بهمن ساعت ۱۸ در شهر کتاب الف برگزار می‌شود. هفت گنبد، سومین مجموعه داستان محمد طلوعی است. این مجموعه شامل هفت داستان نیمه‌بلند است که راوی‌ها در قالب هفت سفر به کشورهای همسایه (سوریه، ارمنستان، لبنان، عراق، کرجستان، افغانستان و عمان) درونیات خود را می‌چوبند و قصه زندگی‌شان را می‌گویند. هفت گنبد روایت درونی آدم‌هاست در محیط‌های کمتر شناخته‌شده برای خواننده؛ آدم‌هایی در پی یافتن که طلوعی با استفاده از تکنیک داستان‌نویسی خود و رهاکردن شخصیت‌ها در هفت اقلیم، خواننده را به دنبال این کشف و جست‌وجو می‌کشاند. شهر کتاب الف واقع در خیابان مقدس اردبیلی، میدان الف، خیابان الف، نبش کوچه سوم، پذیرای شما علاقه‌مندان به کتاب و هنر خواهد بود. شرکت برای عموم علاقه‌مندان آزاد است.

اعلام ۱۰ فیلم قرار گرفته در اولین لیست آرای مردمی فیلم فجر

● خانه سینما پس از سه روز و نمایش تمام فیلم‌های جشنواره فجر، ۱۰ فیلم قرار گرفته در آرای مردمی این دوره را تا ۱۴ بهمن ماه بدون اولویت اعلام کرد. فیلم‌های اعلام‌شده در این فهرست بدون اولویت عبارت‌اند از: «آبادان یازده ۶۰» به کارگردانی مهرداد خوشبخت، «مغز استخوان» به کارگردانی حمید قربانی، «خروج» ابراهیم حاتمی‌کیا، «روز بلوا» بهروز شعبی، «دوزیست» برزو نیک‌نژاد، «سه کام حبس» سامان سالور، «درخت گردو» محمدحسین مهدویان، «خوب، بد جلف۲» پیمان قاسم‌خانی، «روز صفر» سعید ملکان و «شنای پروانه» به کارگردانی محمد کارت. نتیجه شمارش آرای فیلم‌های نمایش داده‌شده در روز سوم جشنواره فیلم فجر ۱۴ بهمن ماه ازسوی ستاد انتخاب فیلم برگزیده از نگاه تماشاگران جشنواره فیلم فجر که در خانه سینما مستقر است، اعلام شد.

«پسرکشی» جایگزین «خورشید» مجید مجیدی شد

● دبیر خانه جشنواره فیلم فجر درباره حضور فیلم «پسرکشی» در جشنواره اعلام کرد: نظر به اینکه فیلم سینمایی «خورشید» به کارگردانی مجید مجیدی و تهیه‌کنندگی آقایان بنان و مجیدی به دلیل طولانی شدن مراحل فنی فیلم تا زمان مقرر آماده نمایش نشد، با توجه به مقررات اعلامی، فیلم سینمایی «پسرکشی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محمدهادی کریمی وارد بخش مسابقه جشنواره می‌شود و از تاریخ ۱۴ بهمن جایگزین فیلم «خورشید» در جدول نمایش می‌شود. در عین حال به‌منظور احترام به خواست مخاطبان و تماشاگران عزیزی که بلیت‌های این فیلم را پیش‌خرید کرده‌اند و همچنین ارج‌گذاری به تلاش سازندگان که با اهتمام فراوان و به احترام تماشاگران همچنان در حال آماده‌سازی فیلم هستند، از زمانی که فیلم «خورشید» آماده نمایش شود، در زمان‌های پیش‌بینی در جدول نمایش فیلم «خورشید» نمایش داده خواهد شد و برای فیلم «پسرکشی» با اعلام قبلی از طریق سایت فروش جشنواره (فجر تیکت) نمایش‌های اختصاصی به تعداد مشابه سایر فیلم‌های سینمایی پیش‌بینی خواهد شد. در این اطلاعیه آمده است: برای همه سینماگران عزیزی که در طول ماه‌های گذشته به احترام سینمادوستان عزیز شب و روز تلاش کرده و می‌کنند تا روزهای سراسر افتخاری را برای مردم سینمادوست فراهم کنند، آرزوی توفیق مضاعف می‌کنیم.

گفت‌وگو با نوید محمودی، کارگردان فیلم «مردن در آب مطهر»

تنها به ساخت فیلم خوب فکر می‌کنیم



کوتاهی بود، اما همان مقدار کم هم به نظر ضروری نبود. طبعاً در قصه‌هایی که می‌نویسیم، شخصیت‌ها خیلی تکلیفشان با من و خودشان مشخص است.
۴ در تجربه‌های پیشین نابازیگرانی که غالباً افغان بودند عهده‌دار بازی در شخصیت‌های اصلی قصه شما بودند. انتخاب بازیگر برای این فیلم چطور اتفاق افتاد؟

همیشه حضور نابازیگران تجربه جذابی برای من و جمشید بوده است و سعی کرده‌ام از حضورشان در سینما و تلویزیون استفاده کنیم. «مردن در آب مطهر» شرایطی داشت که احساس کردم آدم‌هایی که در ذهنمان هستند و به آنها فکر می‌کنیم، در شکل‌دادن جهان قصه و شرایطی که در ساخت فیلم وجود دارد، نزدیک شوند. برای همین با بازیگران وارد صحبت شدیم و تقریباً هنگام نوشتن هم می‌دانستیم با چه بازیگرانی پیش خواهیم رفت. با گفت‌وگوهایی که پیش از ساخت فیلم انجام شد، فکر کردم بهتر است بازیگران این فیلم تجربه چند فیلم را داشته باشند که در اصل با آنها راحت‌ر و ساده‌تر هم‌کلام شویم. طبعاً در مورد علی شادمان و ندا جبرئیلی خیلی زود به نتیجه رسیدیم، با ندا جبرئیلی و متین حیدرینی کار کرده بودم و طبعاً راحت‌تر بودم و با صدف عسگری برای نخستین‌بار همکاری کردم. با چهار بازیگر اصلی که بار قصه به دوش آنهاست گفت‌وگوهای بسیاری داشتیم و طبعاً با بازیگرانی مثل سوگل خلیق، علیرضا آرا، پیمان مقدمی، امیدرضا نجربران و دیگری که سهم کمتری در فیلم داشتند به مراتب صحبت‌های کوتاه‌تری داشتیم. در این میان تمرین لهجه و زبان هم یکی از اتفاقاتی بود که زمان پیش‌تولید را بیشتر کرد، چراکه باید با چهار بازیگر اصلی به‌اضافه سوگل خلیق و امیررضا نجربران زبان و لهجه افغانستانی را تمرین می‌کردیم. فکر می‌کنم یک ماه‌ونیم روزی شش، هفت ساعت و اواخر روزی ۱۰،۱۲

نگاهی به «روز صفر» اولین ساخته سعید ملکان

قهرمان می‌آید

سخت و چالش‌برانگیز بوده که حتی کارگردانان صاحب تجربه بیشتر هم با احتیاط به چنین سوزه‌ای نزدیک می‌شوند. به گمانم، نخستین دشواری فیلم را باید درمابازداشتن تاریخی آن دانست، موضوعاتی از این دست همان‌قدر که از منظر مصالح فراوانی که برای نگارش متن در اختیار فیلم‌نامه‌نویس قرار می‌دهند و از دشواری خلق یک داستان از صفر و خلق شخصیت‌ها و موقعیت‌های داستانی می‌کاهند اما به واسطه در دسترس بودن همان مستندات تاریخی آن‌هم در فاصله زمانی نزدیک از زمان ساخت فیلم، یک مخاطره بالقوه هستند. کم نیستند صاحب‌نظران حوزه سیاست و تاریخ که از جزئی‌ترین اختلاف با واقعیت رخ‌داده در اصل تاریخ نمی‌گذرند و برای درام‌پردازی و اصول و الفای آن، اهمیتی بسیار کمتر از واقعیات تاریخی قائل هستند و همین چالش، انتخاب سיעد ملکان در قدم

هنر

گفت‌وگو با نوید محمودی، کارگردان فیلم «مردن در آب مطهر»

۴ فیلم‌سازی برای شما دو برادر را ساخته عاشقانه‌ای آغاز شد که توانست نگاه بسیاری را متوجه روند فیلم‌سازی شما کند و نتایج خوبی به همراه داشت. «مردن در آب مطهر» به نسبت تجربه‌های پیشین چه جایگاهی برای شما دارد؟

«چند مترمکعب عشق» عاشقانه‌ای است که تقریباً در سینما مسیر جدیدی را برای جوان‌های فیلم‌ساز به وجود آورد؛ فیلم عاشقانه‌ای که سادگی‌های منحصربه‌فرد خودش را دارد و دنیایی را تعریف می‌کند که خیلی‌ها ممکن است آن را دیده باشند، اما از نزدیک شدن به آن به هر دلیلی دوری کرده بودند و این عاشقانه در سینمای ایران دیده شد و بسیار زیاد مورد توجه قرار گرفت. تقریباً در دو سال پایایی بیشترین جوایز سینمای ایران را به خود اختصاص داد و برای ما موفقیت بزرگی بود. ما سعی کردیم در «مردن در آب مطهر» هم همین کار را انجام دهیم. سراغ قصه عاشقانه‌ای در دنیای امروز رفتیم و به بخشی از مهاجران افغان توجه و زندگی‌شان را تصویر کردیم که کاملاً امروزی هستند. با تکنولوژی و علم روز آشنا هستند و قرارهایشان را در فضای مجازی هماهنگ می‌کنند. درست است که مجبور به مهاجرت هستند اما زنده‌اند و حرف‌هایی امیدوارکننده درباره آینده و زندگی می‌زنند. نگران آینده هستند، اما ناامید نیستند. ما سعی کردیم دنیایی را در این قصه تعریف کنیم که وقتی آدمی در روزگاری این فیلم را دید، متوجه شود در سال ۲۰۱۹ هم مهاجرانی وجود داشتند که در سرزمینی که بیش از چهار، پنج دهه است جنگ‌های فراوان در خودش را کشورهای همسایه دیده، چطور فکر می‌کردند. فکر می‌کنم «مردن در آب مطهر» هم مثل «چند متر مکعب عشق» اتفاقاتی خوشایند به همراه داشته باشد.

۴ مدتی است ترجیح می‌دهید در سکوت خبری ساخت فیلم‌هایتان را پیش ببرید. دلایل چیست؟

«مردن در آب مطهر» در سکوت خبری پیش رفت. از لحظه‌ای که پروانه ساخت درخواست کردیم همه مراحل ساخت خبرسانی شد. اما در کل تصور می‌کنم فیلم‌ساختن در سکوت و بدون سرسودا، حرکت درست‌تری است چراکه شما با آرامش کار می‌کنید و به هیچ چیز غیر از فیلم توجه نمی‌کنید و همه انرژی را صرف زمانی می‌کنید که قرار است فیلم ساخته شود. به نظرم از فیلم‌ساختن در زمان فیلم‌برداری هیچ کار مهم‌تری در دنیا وجود ندارد. سعی کردیم و می‌کنیم همیشه فضای آرامی را به دور از خبر و حاشیه درست کنیم. زمانی که من کارگردانی می‌کنم، جمشید و تیم کمک می‌کنند آرامش بیشتری داشته باشم و برعکس زمانی که جمشید کارگردانی می‌کند، تلاش می‌کنم همه‌چیز را در بهترین شکل پیش ببرم. معتقدیم بعد از اینکه فیلم ساخته شد بسته به کیفیت فیلم، خودش جریان‌ساز خواهد شد.



(به بیگاری گرفتن کودکان شست‌وشوی مغزی داده‌شده در نوار مرزی پاکستان) در فیلم دیده می‌شوند، در کنار تنوع به خرج داده‌شده در گرفتن نماها از زوایای مختلف خطرناکی هستند را به تصویر می‌کشد. «عبدالمالک ریگی» که به واسطه اقدامات ضد انسانی‌اش، به یکی از بزرگ‌ترین مخاطرات تهدیدکننده امنیت کشور تبدیل شده بود، در مقام ضد قهرمان فیلم ظاهر شده که در طول یک روایت پرکشش و درگیرکننده در روایتی با مأمور ارشد امنیتی (با بازی امیر جدیدی) سرانجام به دست او گرفتار شده و به شرارت‌های خود و گروهش پایان داده می‌شود. نرگس آبیار در فیلم «شبِی که ماه کامل شد» که سال گذشته در جشنواره فجر به نمایش در آمد، از زایه‌ای دیگر به موضوع این شورش‌پسرسابقه نگاه کرده و داستان را از نقطه‌نظر زندگی خانوادگی برادر ریگی (با بازی هوتن شکیبا) و سرنوشت تاسف‌آور خانواده‌ی بی‌گانه‌ی که به وصلت دخترشان با او رضایت داده بودند، به تصویر می‌کشد. حالا در «روز صفر» ملکان باز هم به ماجرای ریگی نگاه کرده با این تفاوت که این بار عبدالمالک ریگی نه در حاشیه موضوع اصلی که در مرکز آن قرار گرفته تا روایتی امنیتی / اکشن پرکشش و به‌اصطلاح میخ‌کوب‌کننده شکل بگیرد.

در کنار وفاداری به تاریخ که به جز الزامات غیرقابل اغماض دراماتیک، دخل و تصرفی در آنها صورت نگرفته (دست‌کم با استناد به اطلاعات در دسترس منابع تاریخی در زمان حاضر، نقطه قوت برجسته فیلم، روایت بی‌لکنت آن است. اینکه به‌سختی می‌توان از سکاسی یا سکانس‌هایی حرف زد که فاقد داشته‌های دراماتیک باشند، از آن کارهای دشواری است که حتی از فیلم‌سازان سابقه و کارکرده هم نمی‌توان رعایت کامل و دقیق آن را انتظار داشت چه رسد به کارگردانی که اولین تجربه فیلم‌سازی خود را سپری کرده است. قاب‌بندی فیلم، خلافتانه که از همان صحنه اول فیلم

نقد

نگاهی به فیلم «جان‌دار»، ساخته حسین امیری دوماری و پدرام پورامیری

سرگرمی باطمینان تلخ هیجان

● **محمدعلی افتخاری:** سال گذشته و در جریان سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر منتقدان برنامه ویژه جشنواره، به فاصله ۱۵ دقیقه از فیلم «جان‌دار» گذشت و مجموع نظرات این بود که «...فیلم‌نامه ندارد، شخصیت‌پردازی ضعیف است، تکرار چنین ساختار سینمایی ما را خسته کرده است، فیلم پایان باز ندارد و پایان ول دارد، چرا به چنین فیلمی که موضوعش قصاص است و بی‌عفتی در کانون گرم خانواده را ترویج می‌دهد، پروانه ساخت داده اند و...» و در برنامه‌ای دیگر که ظاهراً جبهه‌ای مخالف با منتقدان مذکور داشت، «جان‌دار» در فاصله کمتر از ۱۰ دقیقه این‌طور ارزیابی شد «...فیلم‌نامه حساب‌شده‌ای دارد، دوکارگردان جوان در اولین تجربه سینمایی‌شان موفق بوده‌اند، گروه نویسندگان در انتخاب پایان باز برای این فرم روایت بسیار خوب عمل کرده‌اند، بازی‌ها خوب هستند و بازی جواد عزتی بسیار خوب است و...». حالا با گذشت یک سال، فیلم جان‌دار در سینماهای کشور اکران شده و نظرات عموم مخاطبان هم شیدنی است. نقطه اشتراکی میان نظر منتقدان و تماشاگران فیلم «جان‌دار»، وجود دارد و این نقطه اشتراک برآمده از توجه به فیلم‌نامه، بازی بازیگران، بروز اتفاقات پیش‌بینی‌نشده و سرگرم‌کننده، تنش‌ها و کشمکش‌های هیجانی و... است. این مسئله نشان می‌دهد که تا چه اندازه موضوع اجتماعی مطرح‌شده در فیلم اهمیت دارد. فیلم «جان‌دار» در سینمای ایران، ادامه جریانی است که بازگویی روایت‌هایی مبتنی بر زندگی اجتماعی را در دستور کار خود قرار داده و چندیسالی است به شکلی مشابه در فیلم‌هایی از این دست تکرار می‌شود و مشخص نیست تکرار این شیوه بیانی در سینمای ما برای بازگویی مشکلات اجتماعی چه هدفی را دنبال می‌کند. آیا فراوانی مشکلات اجتماعی حساسیت سینماگران ما را برانگیخته و فیلم‌های اجتماعی حاصل از این حساسیت، دغدغه سینماگران ما نسبت به موضوعی خاص را نشان می‌دهد؟ یا تجارت و سودآوری در سینما شکل تازه‌ای یافته و سرمایه‌گذاران و تهیه‌کنندگان سینمای ایران برای رونق گیشه توجه سینماگران، منتقدان سینمایی و تماشاگران را به مسائلی همچون حاشیه‌نشینی، اعتیاد، فقر، زنان بی‌سرپرست، قصاص و... جلب کرده‌اند تا شکلی متفاوت از آنچه در جریان فیلم‌های کمدی پول‌ساز رخ می‌دهد، ارائه شود؟

پاسخ سؤال اول روشن است. مشکلات اجتماعی سال‌هاست که گریبان جامعه را گرفته و پدیده نوظهوری نیست که فقط دیروز و امروز ما را تحت تأثیر قرار داده باشد. از طرفی حساسیت سینماگران ما به مسائل اجتماعی در چند سال اخیر به ساخت فیلم‌های منجر شده که مشخصاً مربوط به حاشیه‌نشینان تهران است و دامن‌زدن به جدایی طبقاتی جامعه را در پی داشته و ظاهراً هنوز این جریان ادامه دارد. فیلم‌هایی از این دست تا حدودی به ایجاد فاصله‌ای عمیق میان تماشاگر و موضوع حاشیه‌نشینی منجر شده است. در این راستا، اقدامات متولیان فرهنگی و سازمان‌های امور شهری به اندازه کافی تأثیرگذار بوده به‌نظر می‌رسد حضور سینماگران در به‌تصویرکشیدن «حاشیه‌نشینی» به عنوان امری قریب‌الوقوع، در ادامه اشتباهات و خواسته مسئولان مربوط است. اما در پاسخ به سؤال دوم با نگاهی به فیلم «جان‌دار» به عنوان محصول تازه‌ای از جریان مذکور، می‌شود عملکرد سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده در تجارتی نوین ارزیابی کرد و همچنین تأثیر مستقیم این دو را در اولین فیلم بلند دو کارگردان جوان دید. بی‌رنگ‌نویسی در فیلم «جان‌دار» و فیلم‌های مشابه، به «مانی‌اصول فیلم‌نامه‌نویسی» پایبند است که بیش از هر چیز توجه خود را به سرگرم‌کردن تماشاگر و میخ‌کوب‌شدن به صحنلی سینما و خسته‌شدن از تماشا، یک درام تمام‌عیار قرار می‌دهد. جغرافیای مدنظر سازندگان فیلم «جان‌دار» جایی است که یاسر با چهره‌ای پف‌کرده و زخم‌خورده، اعصابی و بی‌عقل و منطق زندگی می‌کند. این جغرافیایی است که سال‌هاست چشم سینماگران ما را به خود جلب کرده و موضوعی بسیار هیجانی برای سرمایه‌گذاران سینما و تهیه‌کنندگان و تن‌آمیزی بازیگران شده است. منظور از طرح این موضوع جلویگری از ساخت فیلم‌های این‌چنین و نگرانی از سیاه‌نمایی نیست و به طور قطع، باید به منتقدان بزرگ سینمای ایران که این‌گونه فیلم‌ها را سیاه‌نمایی می‌خوانند، گفت نگران نباشید سینمای اجتماعی با سازوکار تجاری‌اش، به هیچ‌وجه قادر نیست لحظه‌ای از زندگی مردم را در قاب سینما ارائه کند چه رسد به اینکه تلخی‌های روزگار مردم ایران را به تصویر بکشد. بنابراین فیلم «جان‌دار» همچون سایر آثار مشابه، تا اندازه‌ای قادر به بازگویی مشکلات جامعه است که استانداردهای رایج سینمای سودآور اجازه دهد. سرمایه‌گذار برای برگشت هزینه‌هایش از تهیه‌کننده می‌خواهد فیلم را مطابق فرایند جذب مخاطب بسازد. تهیه‌کننده دستور سرمایه‌گذار را به عوامل ساخت فیلم منتقل می‌کند، به هر ترتیب، ماجرای «رفتن به سراغ مردم» و بازگویی مشکلات اجتماعی در سینما به جایی رسیده است که امروز به‌راحتی می‌توان عملکرد سینماگران را که گزارشگران برنامه «در شهر» که از شبکه پنج سما پخش می‌شود، برابر دانست. اگر چنین باشد، ضرورت بازگویی دردهای ناتمام مردم از سوی سینماگران به بهانه‌ای تازه برای جذب مخاطب تبدیل خواهد شد و این نوع سینما هیچ‌گاه نمی‌تواند نگرشی انتقادی در برابر مشکلات موجود در جامعه ایجاد کند.